

## آینده جنگ اوکراین



کارل بیلت

نخست‌وزیر سابق سوئد

در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد ارتش اوکراین شانس چندانی برای بازپس‌گیری تمام سرزمین‌های اشغال‌شده توسط روسیه ندارد و نیروهای مسلح روسیه نیز قادر به دستیابی به اهداف ولادیمیر پوتین در این جنگ نیستند. با این حال، شاید صلح بدون پیروزی قطعی برای هیچ‌یک از طرفین سناریوی امکان‌پذیر باشد. با ورود جنگ پوتین علیه اوکراین به سال سوم خود، سوالات زیادی درباره امکان دستیابی به صلح یا پیروزی به‌میان آمده است. البته تعریف این اصطلاحات بستگی زیادی به دیدگاه افراد دارد. برای پوتین، هدف این جنگ از بین بردن اوکراین به‌عنوان یک کشور مستقل و تبدیل آن به کشوری تحت کنترل روسیه است. اما پس از دو سال و نیم از این جنگ و بسیج گسترده منابع و نیروی انسانی، روسیه تنها حدود ۱۸ درصد از خاک اوکراین را در اختیار دارد که بیشتر آن از سال ۲۰۱۴ تحت کنترل روسیه بوده است. در مقایسه با اهداف پوتین، این تهاجم یک شکست مفتضحانه بوده است. آیا این وضعیت می‌تواند تغییر کند؟ برای اینکه پیروزی روسیه ممکن شود، غرب باید تمام حمایت‌های خود را از اوکراین - مالی و نظامی - متوقف کند و مردم اوکراین نیز باید انگیزه مقاومت خود را از دست بدهند. هیچ نشانه‌ای از کاهش انگیزه در میان مردم اوکراین دیده نمی‌شود. اگر چه بخشی از نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که برخی اوکراینی‌ها حاضرند برای پایان دادن به جنگ، برخی امتیازات سرزمینی را بپذیرند، اما این امتیازات به هیچ وجه به اندازه‌ای نخواهد بود که اوکراین را از نقشه جهان حذف کند. میلیاردها دلار که از اروپا، ایالات متحده و دیگر کشورها به اوکراین سرازیر شده، بسیار حیاتی بوده است. البته، سوالاتی در مورد تداوم این حمایت‌ها، به‌ویژه اگر دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ به کاخ سفید بازگردد، مطرح است. با این حال، باید توجه داشت که کمک‌های بزرگتر از سوی اتحادیه اروپا، تنها حدود ۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی هر کشور عضوا شامل می‌شود. با توجه به اینکه هیچ نشانه‌ای از تضعیف اراده سیاسی اروپایی‌ها دیده نمی‌شود، شاید این حمایت‌ها حتی در صورت نیاز افزایش یابد. این امر بخشی از یک الگو است. نیروهای مسلح روسیه از همان هفته‌های اول جنگ تاکنون نتوانسته‌اند هیچ عملیات تهاجمی موفقیت‌آمیزی را در مقیاس بزرگ اجرا کنند. اگر چه آنها بارها تلاش کرده‌اند اما بارها با تخریب شهرهای کوچکتر همراه بوده است. از سوی دیگر، ارتش اوکراین نیز با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. در سال ۲۰۲۲، اوکراین موفق به عقب راندن نیروهای روسیه در خرسون و خارکیف شد، اما ضدحمله بزرگ تابستان ۲۰۲۳ آن‌ها شکست خورد. با این حال، حمله ناگهانی به منطقه کورسک در روسیه در ماه گذشته، نشان‌دهنده عزم و انعطاف‌پذیری نیروهای اوکراینی است. در مجموع، به نظر می‌رسد ارتش اوکراین شانس کمی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال‌شده توسط روسیه داشته باشد. اگر چه ممکن است موفقیت عملیاتی مشابه کورسک را در نقاط دیگر جبهه تکرار کند، اما دستیابی به نتایج پایدار فراتر از آن بسیار دشوار خواهد بود. تا زمانی که پوتین و حلقه داخلی‌اش باور داشته باشند که می‌توانند اراده اوکراینی‌ها و حامیان غربی آن‌ها را تضعیف کنند، جنگ ادامه خواهد داشت. اما زمانی که متوجه شوند این امر محقق نخواهد شد و روسیه در مسیر شکست قرار دارد، شرایط تغییر خواهد کرد. اگر چه این تغییر احتمالاً امسال اتفاق نخواهد افتاد، اما ممکن است در سال ۲۰۲۵ رخ دهد. در آن زمان، شاید بتوان نوعی توافق موقت را برای پایان دادن به جنگ متصور شد، هر چند که هیچ‌یک از طرفین به پیروزی نخواهند رسید. با این حال، دستیابی به یک صلح پایدار مسئله‌ای دشوارتر است. به عقیده من، تا زمانی که دو شرط محقق نشود، این امر ممکن نخواهد بود. اول، پوتین باید از قدرت کنار برود. او کرملین و جامعه روسیه را با قدرتی آهنین کنترل می‌کند و بیش از حد درگیر امپال امپریالیستی خود است که بتواند صلح واقعی را بپذیرد. دوم، آینده اوکراین باید از طریق عضویت در اتحادیه اروپا و ترتیبات امنیتی قابل اعتماد غربی تضمین شود. تنها در این شرایط است که صلح واقعی ممکن خواهد شد. چنین نتیجه‌ای نه‌تنها پیروزی برای اوکراین، بلکه برای روسیه نیز خواهد بود؛ زیرا روسیه با رهایی از پروژه‌های امپریالیستی ویرانگر، می‌تواند سرانجام به یک کشور عادی و شکوفای قرن بیست و یکمی تبدیل شود.



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار گروه بین‌الملل

ایالات متحده، روسیه و چین رقابت بر سر افزایش نفوذشان در اقصی نقاط جهان را تشدید کرده‌اند. بررسی‌های ما آشکار می‌سازد که دخالت‌ها و آثار سیاست‌های این سه قدرت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در حوزه‌های گوناگونی از جمله اقتصاد، امنیت و دیپلماسی بروز و ظهور پیدا کرده و تلاش‌های هرکدام از آن‌ها با درجات متفاوتی از موفقیت همراه بوده است. در این پژوهش ما شیوه‌های تعامل دوجانبه این قدرت‌های بزرگ با کشورهای عربی، ایران، ترکیه و اسرائیل را در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ بررسی کرده‌ایم. داده‌ها در این تحقیق براساس دوروش متمایز ارائه شده است. در وهله اول کشورها به جز ایران و ترکیه براساس نزدیکی جغرافیایی، تاریخ مشترک، ویژگی‌ها و روندهای مشابه کشورها در قالب گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تعریف شده‌اند. برای مثال، عراق و اسرائیل به دلیل نزدیکی جغرافیایی، وضعیت آن‌ها به‌عنوان مراکز درگیری‌های پایدار و مرتبط، و همچنین نفوذ قوی آمریکا در آنجا ذیل منطقه شامات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. طی این بررسی چهار شاخص یعنی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، صادرات تسلیحات و استقرار نظامیان به‌عنوان شاخص‌های اصلی در سنجش نفوذ منطقه‌ای ایالات متحده، روسیه و چین در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در نظر گرفته شده است.

در وهله دوم، روابط قدرت‌های بزرگ با کشورهای منطقه به صورت دوجانبه بررسی شده و داده‌ها شامل مجموعه‌ای از اطلاعات در زمینه‌های مختلف تعامل، از دیپلماسی تا نظرسنجی‌های عمومی است. این مجموعه‌های داده به راحتی برای هر کشور قابل دسترسی و داتلود هستند. امیدواریم محققان دیگری که در زمینه رقابت قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت می‌کنند، این داده‌ها را مفید یافته و بتوانند روندهای مشخصی را با توجه به تخصص خاص هر کشور شناسایی کنند.

هر چند ما تمایل داریم پارامترهایی را ارائه دهیم که با نگاه به آن‌ها بلافاصله بتوان مشخص کرد کدام‌یک از قدرت‌های بزرگ در حال حاضر رهبری رقابت در خاورمیانه و شمال آفریقا را بر عهده دارد، اما نگران آن هستیم که هیچ مجموعه داده‌ای نتواند به‌طور کامل پیچیدگی‌ها و جزئیات نفوذ کشورها در منطقه‌ای چندوجهی و با پیچیدگی‌های زیاد را به تصویر بکشد.

در دهه‌های اخیر ایالات متحده هژمونی خود را در سطح جهان از طریق شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌های نظامی، نفوذ فرهنگی فراگیر از طریق رسانه‌ها، رهبری در پیشرفت‌های تکنولوژیک و نهادهای مالی بین‌المللی که دلار آمریکا را به ستون فقرات مالی جهان بدل ساخته، تقویت کرده است. ظهور چین نیز یکی از ویژگی‌های شاخص نظام بین‌الملل طی دهه‌های اخیر بوده است. این غول صنعتی و تجاری به یک بازیگر بزرگ در روابط بین‌الملل،

نگاه  
اندیشکده

## به دنبال

## بررسی رقابت قدرت‌های بزرگ

سازمان‌های چندجانبه و پیشرفت‌های امنیتی و تکنولوژیک تبدیل شد. روسیه هم که به‌طور سنتی در برخی مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا نفوذ داشته، در سال‌های اخیر بازگشتی ژئواستراتژیک داشته است. هر چند تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات تسلیحات و استقرار نظامی روسیه در منطقه نسبتاً کم بوده اما این کشور در برخی کشورها مانند سوریه، لیبی و امروزه سودان تأثیر ژئوپولیتیک و سیاسی مهمی داشته دارد. به دلیل محدودیت در جمع‌آوری برخی داده‌ها، ما به نتیجه‌گیری درباره نفوذ این سه قدرت در خاورمیانه و شمال آفریقا نمی‌پردازیم؛ بلکه فقط به برخی از روندهای کلی تعامل اشاره می‌کنیم.

## شامات و اسرائیل

در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ کشورهای عربی حوزه شامات به استثنای اردن با چالش‌هایی نظیر تشدید افزایش خشونت، درگیری‌های خونین داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و تروریسم مواجه بودند. در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نیز آرامش و صلح غایب بزرگ بود و با جنگ جاری در غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، دستیابی به راه‌حل سیاسی در این منطقه بیش از هر زمان دیگری دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. در طول دهه گذشته (۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲) ایالات متحده روابط اقتصادی و نظامی خود را با کشورهای این منطقه از جمله عراق، اردن و لبنان گسترش داد. این اقدام با هدف ادعایی مبارزه با دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و در ادامه با هدف جلوگیری از گسترش دوباره تروریسم در منطقه صورت گرفت. روابط آمریکا با اسرائیل هم همواره رابطه‌ای پایدار و روبه‌رشد بوده که احتمالاً با توجه به روندهای موجود با همین وضعیت ادامه خواهد یافت. چین در طول این مدت روابط اقتصادی خود را با همه کشورهای منطقه شامات تقویت کرد. افزایش حجم تجارت این کشور با عراق که پیش از آن به دلیل مشکلات ناشی از حضور اشغالگران به حداقل رسیده بود، از نکات جالب توجه در این منطقه بود. چین همچنین تلاش کرد تا از درگیری شدن در موضوعات امنیتی منطقه به دلایل استراتژیک خودداری کند.

روسیه شرایط نسبتاً متفاوتی داشت. ارتش روسیه در سال ۲۰۱۵ برای حمایت از سوریه به همراه ایران درگیر جنگ با گروه‌های تروریستی شد و کمک کرد تا نظام سیاسی سوریه پابرجا باقی بماند. این مداخله، روسیه را بار دیگر به صحنه سیاست در خاورمیانه

در دهه‌های اخیر  
ایالات متحدههژمونی خود را در  
سطح جهان از طریق  
شبکه‌ای گسترده از  
پایگاه‌های نظامی،  
نفوذ فرهنگی  
فراگیر از طریق  
رسانه‌ها، رهبری  
در پیشرفت‌های  
تکنولوژیک و  
نهادهای مالیبین‌المللی که دلار  
آمریکا را به ستون  
فقرات مالی جهان  
بدل ساخته، تقویت  
کرده است. ظهور  
چین نیز یکی از  
ویژگی‌های شاخص  
نظام بین‌الملل طی  
دهه‌های اخیر بوده  
است

## شبه جزیره عربستان

سوم ● دوم ● اول ● رتبه‌بندی

## اقتصاد

تجارت (بر مبنای میلیارد دلار)

سال	روسیه	چین	آمریکا
2012	\$3.9 billion	\$181.6 billion	\$106.4 billion
2022	\$7.4 billion	\$271.3 billion	\$85.7 billion

## سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (بر مبنای میلیارد دلار)

سال	روسیه	چین	آمریکا
2012	\$0.5 billion	\$3.1 billion	\$26.9 billion
2022	\$1.8 billion	\$17.8 billion	\$36.1 billion

سوم ● دوم ● اول ● رتبه‌بندی

## امنیت

صادرات تسلیحات (بر مبنای میلیارد دلار)

سال	روسیه	چین	آمریکا
2012	\$126 million	\$0 million	\$1,668 million
2022	\$0 million	\$0 million	\$5,552 million

استقرار نیرو (بر مبنای نفر)

سال	روسیه	چین	آمریکا
2012	0	0	26,145
2022	0	0	31,700